

DOI: 10.22084/j.psychogy.2018.12355.1496

رابطه راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت با سبک‌های
تصمیم‌گیری در دانشجویان

Relation Ship between Self-Regulation of Metacognitive Strategies and Achivement
Goals with Decision Making Styles in Students

اکبر رضایی^۱ و محمدرضا رحیمی^{۲*}

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۰۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۸

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف تعیین رابطه بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت با سبک‌های تصمیم‌گیری دانشجویان انجام شد.

روش: این مطالعه بر روی ۳۷۹ دانشجو (۲۱۹ مرد و ۱۶۰ زن) که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی از میان کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد تبریز انتخاب شده بودند انجام شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های راهبردهای انگیزشی برای یادگیری پینتریچ و همکاران (۱۹۹۱)، پرسشنامه اهداف پیشرفت میدگلی و همکاران (۱۹۹۸) و پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵) گردآوری شد. روایی آنها با استفاده از روایی محتوا توسط کارشناسان تأیید و پایایی آنها از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۳ و ۰/۷۶ برآورد گردید تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و به کمک روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری انجام گرفت.

یافته‌ها: براساس نتایج، راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی، پیش‌بینی‌کننده مثبت و خوبی برای سبک تصمیم‌گیری عقلایی می‌باشد. همچنین راهبرد خود نظم‌دهی فراشناختی، سبک تصمیم‌گیری آئی را به صورت منفی و معکوس پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت اجتنابی به صورت منفی و معکوس سبک تصمیم‌گیری عقلایی را پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت تبحری، سبک تصمیم‌گیری شهودی و اجتنابی را به صورت منفی و معکوس پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت عملکردی پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای سبک‌های تصمیم‌گیری نبود.

نتیجه‌گیری: بنا به اهمیت راهبرد خود نظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت، تقویت این راهبرد و اهداف در دانشجویان می‌تواند در به‌کارگیری سبک تصمیم‌گیری مناسب و پرهیز از سبک تصمیم‌گیری نامناسب نقش مهمی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی، سبک‌های تصمیم‌گیری، اهداف پیشرفت.

۱. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام‌نور

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

* نویسنده مسئول:

۱. مقدمه

انسان در مسیر زندگی خود با انواع مسائل و مراحل مواجه می‌شود که ناگزیر از تصمیم‌گیری^۱ است. تصمیم‌گیری نقش گسترده‌ای در زندگی آدمی دارد (آدیر^۲، ۲۰۰۷). با توجه به این که تصمیمات در یک سازمان با سرنوشت سازمان و ذینفعان آن ارتباط مستقیم داشته و با آینده هر کشور عجین می‌باشد اگر تصمیمات صحیح و سنجیده اتخاذ شوند آینده روشنی پیش‌رو خواهیم داشت و در غیر این صورت مشکلات عدیده‌ای در پی خواهد داشت (آریا زند، ۱۳۸۸).

در آغاز به دلیل نگرش خاص دیدگاه کلاسیک مدیریت تصمیم‌گیری تنها حق مدیران عالی دانسته می‌شد اما از دهه ۱۹۵۰ به بعد تحقیقاتی در زمینه جنبه‌های رفتاری ماهیت تصمیم، تئوری‌ها و فرآیند تصمیم انجام گرفت این نگرش را دگرگون کرد و از سوی دیگر محث آمار و ریاضی و بحث‌های کمی نیز ابزاری مفید برای اتخاذ تصمیم مطرح گردید. یافته‌های دانش اجتماعی و انسانی نیز در غنا بخشیدن به این موضوع کمک شایانی کرده است (باقریان، ۱۳۸۰). فرآیندهای تصمیم‌گیری بحث تازه‌ای به شمار نمی‌آید در طی سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف پیرامون مقوله تصمیم‌گیری انجام گرفته که در نتیجه آن تاکنون طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با سبک‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری توسط صاحب‌نظران ارائه شده است هر کدام از این طبقه‌بندی‌ها با توجه به این که کدام دسته عوامل، فردی، سازمانی، محیطی را بر نحوه واکنش و رفتار فرد در مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری دخیل می‌دانند با یکدیگر متفاوت است (اولیویرا^۳، ۲۰۰۷). تصمیم‌گیری فرآیندهای شناختی زیادی مانند اطلاعات و پردازش آنها، حل مسأله، قضاوت، حافظه و یادگیری را به خدمت می‌گیرد (صفری‌نیا و اکبری، ۱۳۹۱). میلر و بایرنز تصمیم‌گیری را به عنوان فرآیند انتخاب بین شقوق متفاوت برای رسیدن به هدف خاصی تعریف می‌کنند (میلر و بایرنز^۴، ۲۰۰۱). تصمیم‌گیری هم‌چنین انتخاب یک راهکار از میان گزینه‌های مختلف نیز دانسته می‌شود و بر طبق این تعریف هسته مرکزی برنامه‌ریزی نامیده می‌شود (هادیزاده مقدم و طهرانی، ۱۳۸۹). سبک تصمیم‌گیری الگوی فردی تفسیر و پاسخ به تکالیف تصمیم‌گیری است. به‌واسطه این سبک‌هاست که درک تصمیم‌های متفاوت افراد در موقعیت‌های یکسان امکان پذیر می‌شود (صفری‌نیا و اکبری، ۱۳۹۱). هم‌چنین سبک تصمیم‌گیری افراد بیانگر الگوی عادت‌ی است که آن‌ها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند (تانهم^۵، ۲۰۰۴). اسکات و بروس^۶ در مطالعات خود پیرامون سبک تصمیم‌گیری افراد و عوامل مؤثر بر آن، بر ویژگی‌های درونی و تفاوت‌های فردی افراد توجه

1. Decision making
2. adair
3. Oliveira
4. miller & byrne
5. tanholm
6. Scott & Bruce

بسیاری نموده و بر این اساس پنج سبک تصمیم‌گیری را تحت عنوان سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری ارائه نموده‌اند (پارکر^۱، واندی^۲ و باروش^۳، ۲۰۰۷).

(۱) سبک تصمیم‌گیری عقلایی: این سبک بیانگر تمایل تصمیم‌گیرنده به شناسایی تمامی راهکارهای ممکن، ارزیابی نتایج هر راهکار از تمامی جنبه‌های مختلف و در نهایت انتخاب راهکار بهینه و مطلوب در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری است (سینگ^۴ و گرینهاوس^۵، ۲۰۰۴).

(۲) سبک تصمیم‌گیری شهودی: در این سبک تصمیم‌گیری مبنای انتخاب فرد آن است که احساس وی چه چیز را درست می‌داند. در این سبک تأکید بر حس درونی است و ملاک نهایی این است که فرد چه حس می‌کند، نه این که چه فکر می‌کند (هادیزاده مقدم و طهرانی، ۱۳۸۷).

(۳) سبک تصمیم‌گیری وابسته: این سبک بیانگر عدم استقلال فکری تصمیم‌گیرنده در عمل و تکیه بر حمایت‌ها و راهنمایی‌های دیگران در هنگام اتخاذ تصمیم است (هابلیمیت اوغلو^۶، ۲۰۰۸).

(۴) سبک تصمیم‌گیری اجتنابی: در این سبک فرد لزوم تصمیم‌گیری را انکار می‌کند یا امیدوار است که همه چیز خودبه‌خود درست شود و یا به تکنیک‌های به تأخیر انداختن مانند امروز و فردا کردن متوسل می‌شود (هابلیمیت اوغلو، ۲۰۰۸؛ فولپ^۷، ۲۰۰۶).

(۵) سبک تصمیم‌گیری آنی: افرادی که از این سبک استفاده می‌کنند در هنگام مواجهه شدن با موقعیت‌های تصمیم‌گیری بلافاصله و بی‌درنگ تصمیم اصلی خود را اتخاذ می‌کنند (اسکات و بروس، ۱۹۹۵).

نحوه تصمیم‌گیری افراد و سبکی که آن‌ها برای تصمیم‌گیری انتخاب می‌کنند بسیار حائز اهمیت می‌باشد به این خاطر که یک تصمیم نادرست می‌تواند زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک سازمان را به خطر بیندازد و حتی فعالیت‌های دیگر افراد را تحت تأثیر قرار دهد (ویلسون^۸، ۲۰۱۰). هم‌چنین با تصمیم‌گیری نادرست سازمان را به نابودی بکشاند. برعکس یک مدیر توانا با به کارگیری یک سبک مناسب برای تصمیم‌گیری می‌تواند سازمان را به سوی اهداف خود سوق دهد (مهدیانی، رجایی‌پور و عابدینی ۱۳۹۲).

براساس مطالعات انجام شده تصمیم‌گیری تحت تأثیر متغیرهای مختلفی است ولی آن‌چه در حوزه روانشناسی اهمیت دارد نقش عوامل فراشناختی و تفاوت‌های انگیزشی در تصمیم‌گیری است؛ که مطالعات اندکی در این باره انجام شده است. توانایی استفاده از راهبردهای فراشناختی به‌ویژه راهبرد

-
1. Parker
 2. Wandi
 3. Baruch
 4. Singh
 5. Greenhous
 6. Hablemitoqlo
 7. Folp
 8. Wilson

خودنظم‌دهی دانشجویان با بهبود تصمیم‌گیری آنان می‌تواند در ارتباط باشد. راهبرد فراشناختی^۱ که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت راهبرد خود نظم‌دهی فراشناختی می‌باشد. خودنظم‌دهی را به صورت تلاش‌های روانی در کنترل وضعیت درونی، فرآیندها و کارکردها، به منظور دستیابی به اهداف بالاتر تعریف می‌کنند لذا یادگیرنده‌های خود نظم‌ده به وسیله ویژگی‌هایی از قبیل ابتکار شخصی، تسلط بر یادگیری هدف و خود اسنادی مطلوب متمایز می‌شوند (زیمرن^۲، ۲۰۱۵). از ویژگی‌های دانش‌آموزان و دانشجویانی که از یادگیری خودنظم‌داده شده استفاده می‌کنند این است که هدف‌گرا هستند و یادگیری خود را از طریق انتخاب و نظم‌دهی راهبردهای یادگیری خودشان برای تحقق هدف‌های مورد نیاز بهبود می‌بخشند (رضایی، ۱۳۹۴). نظریه یادگیری خودنظم‌دهی یک پایه نظری برای تلاش‌های دانش‌آموزان در زمینه موفقیت در محیط‌های یادگیری فراهم می‌آورد (بیانکا^۳، ۲۰۱۳). در نظریه ویگوتسکی، خود نظم‌دهی شامل فرآیندهای ذهنی (شناختی) نظیر برنامه‌ریزی، ترکیب‌کردن و شکل‌دهی مفاهیم است (شانک^۴، ۲۰۱۲؛ ترجمه رضایی، ۱۳۹۳). زیمرن (۲۰۰۲) در نظریه خودنظم‌دهی فرا شناختی خود می‌گوید در خودنظم‌دهی^۵ مبتنی بر فرا شناخت تأکید بر "توجه" است و "توجه" بیشتر از قابلیت‌های ذاتی و آموزش خوب بر عملکرد اثر دارد. او همچنین خود آغازگری، پایداری، خودباوری و خود رهبری را از عوامل اصلی فراشناخت و خود تنظیم‌کنندگی می‌داند. وی نیز معتقد است خودنظم‌دهی فرا شناختی در سه حیطة قبل، هنگام و بعد از عملکرد انجام می‌شود. ویژگی‌های خودنظم‌دهی عبارتند از: (۱) آگاهی از تفکر: بخشی از خودنظم‌دهی است که شامل اندیشیدن و تحلیل مؤثر یک فرد از عادت‌های تفکر خود است. (۲) کاربرد راهبردها: شامل خزانه روبه رشد راهبردهای فرد برای یادگیری، کنترل هیجانات و پیگیری اهداف این راهبردها است. (۳) انگیزش مداوم: سومین مؤلفه‌ی خودنظم‌دهی است؛ زیرا یادگیری نیازمند انتخاب و تلاش مداوم است (محمودی، ۱۳۷۶).

بنا به تفاوت‌های فردی و شخصیتی و توانایی‌ها و زمینه‌های فکری مختلف افراد انسانی و همچنین با توجه به این‌که تحقیق حاضر در جامعه دانشجویان انجام شد متغیر تأثیرگذار دیگر بر تصمیم‌گیری دانشجویان انتخاب نوع اهداف پیشرفت آن‌ها مورد پژوهش قرار گرفت و نقش آن در اتخاذ نوع سبک تصمیم‌گیری بررسی شد. یکی از موضوعات مهم در حوزه انگیزش بررسی نقش اهداف پیشرفت یا سوگیری اهداف است. اهداف پیشرفت یا جهت‌گیری اهداف، اهداف و معانی هستند که شخص برای رفتار پیشرفت خود در نظر می‌گیرد (ریان و پینتریش^۶، ۱۹۹۷). اهداف

1. Meta cognition strategy
2. Zimmerman
3. Bianca
4. Schunk
5. Self. Regulation
6. Ryan & Pinterich

پیشرفت یکی از برجسته‌ترین و کامل‌ترین چارچوب‌ها برای ادراک عملکرد موفقیت‌آمیز به‌خصوص در حیطه آموزشی و مهارتی است (کاپلان و فلوم^۱، ۲۰۱۰). نظریه اهداف پیشرفت درحالی که یک چشم‌انداز شناختی-اجتماعی از انگیزش قرار دارد، بر این موضوع متمرکز است که فراگیران چگونه معانی تجاربشان را در موقعیت‌های پیشرفت خود تفسیر می‌کنند (شانک و همکاران، ۲۰۰۸). طبق این نظریه دانشجویانی که گرایش به هدف تبحری دارند به‌دنبال تسلط بر تکلیف، رشد مهارت‌های جدید، دستیابی به درک و بینش و تکوین شایستگی هستند. در صورتی که دانشجویانی که گرایش به هدف عملکردی دارند، بر جلوه‌های بیرونی شایستگی یا توانایی تمرکز دارند و هدف اصلی او ابراز توانایی‌هایش در مقابل دیگران، بهترین بودن در جمع می‌باشد؛ و دانشجویانی که گرایش به هدف اجتنابی دارند در صدد اجتناب کردن از قضاوت‌های اجتماعی هستند که نشان می‌دهد توانمندی کمتری نسبت به همسالان‌شان دارند (ایمز^۲، ۱۹۹۲). در اهداف تبحری افراد بر تسلط بر وظیفه و افزایش قابلیت‌ها تمرکز دارند و در پی پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که چگونه می‌توانم این وظیفه را انجام دهم و یا این که چه چیزی یاد خواهم گرفت؟ در این اهداف افراد بیشتر نگران پیشرفتشان هستند تا نگران غلبه بر دیگران. افراد در اهداف عملکردی در پی آن هستند که ارزیابی مثبتی از صلاحیت خود را به حداکثر برسانند و ارزیابی منفی از صلاحیتشان را به حداقل برسانند در این هدف افراد به‌دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستند که من چگونه می‌توانم باهوش به نظر برسم؟ و چگونه می‌توانم بهتر از دیگران عمل کنم؟ افراد دارای این هدف در تلاش هستند تا عملکرد بهتری از دیگران داشته باشند (ایمز، ۱۹۹۲). در اهداف پیشرفت اجتنابی که یک هدف اجتنابی است فرد با درگیر نشدن در فعالیت می‌خواهد نفهم، گیج و کندذهن به نظر نرسد (میدگلی^۳، کاپلان و میدلتون^۴، ۱۹۹۸).

نتایج حاصل از اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با اهداف پیشرفت نشان می‌دهد که اهداف تبحری رابطه مثبتی با استفاده از راهبردهای شناختی عمیق هدف‌گذاری مناسب، یادگیری خودتنظیمی، مقابله کارآمد و مناسب با مشکلات و ناکامی، نمرات بالا و به‌طور کلی با بهزیستی روانی افراد دارد (ایمز، ۱۹۹۲؛ دووک^۵ و لگت^۶، ۱۹۸۸؛ لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ کاپلان و فلوم، ۲۰۱۰). همچنین پژوهش‌ها نشان دادند که اهداف اجتنابی رابطه مثبتی با استفاده از راهبردهای سطحی یادگیری همچون مرور ذهنی و حفظ، کاهش انگیزش درونی، کاهش پایداری و درگیری در تکلیف، اجتناب از درخواست کمک، اضطراب و به‌طور کلی هیجانات منفی دارد (پینتریچ، ۲۰۰۰؛ لی، مک اینرنی و اورتیگا^۷، ۲۰۱۰). نتایج تحقیقات نشان داده است که این اهداف توسط فرایندهای متفاوتی

1. Kaplan & flum
2. Ames
3. Midgly
4. Middleton
5. Dweck
6. Legget
7. Lee & Mc Inerney & Ortiga

در افراد ایجاد می‌شود و به الگوهای متفاوتی از پیامدهای شناختی، عاطفی و رفتاری منجر می‌شود (ایمز، ۱۹۹۲؛ الیوت^۱، ۱۹۹۹). همچنین ادبیات تحقیق در نظریه‌ی هدف پیشرفت نشان داده است که به لحاظ تجربی بین اتخاذ یک هدف پیشرفت و روش‌هایی که دانش‌آموزان از لحاظ شناختی به تکالیف تحصیلی‌شان می‌پردازند، ارتباط وجود دارد (ایمز، ۱۹۹۲؛ دووک^۲ و لگت^۳، ۱۹۸۸).

پیشینه: با مرور منابع متعدد داخلی و خارجی این نتیجه دریافت شد که موضوع مشابه با پژوهش حاضر به‌ندرت صورت گرفته است بنابراین در این پژوهش تنها مواردی که قرابتی با پژوهش حاضر دارند ذکر می‌شوند. نیک‌پی، فرحبخش و یوسفوند (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان دادند دانش‌آموزانی که خودنظم‌دهی بالاتری دارند در زمینه تحصیل از وقت و انرژی خود به‌درستی استفاده می‌کنند و یادگیری عمیقی دارند. صیف (۱۳۹۵) در تحقیقی نشان داد افراد با اهداف پیشرفت عملکردی اجتنابی انگیزه‌ای برای تسلط بر مهارت ندارند و فاقد خودنظم‌دهی هستند. اهداف پیشرفت عملکردی اجتنابی با تعلل‌ورزی رابطه مثبت داشته است؛ اما اهداف تبحری با تعلل‌ورزی همبستگی منفی معناداری داشته است. ناظمی و صفاری‌نیا (۱۳۹۴) در پژوهشی در مورد رابطه بین سبک‌های تصمیم‌گیری با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی نشان دادند سبک تصمیم‌گیری عقلایی ارتباط معناداری با رفتارهای کارآفرینانه دارد و توان بالایی برای پیش‌بینی این رفتارها دارد. هم‌چنین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی به‌صورت معکوس این‌گونه رفتارها را پیش‌بینی می‌کند. آهنچیان و عصاررودی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری و یادگیری خودراهبر در دانشجویان هوشبری به‌ای نتیجه رسیدند که سبک تصمیم‌گیری عقلایی همبستگی مثبت و معناداری با یادگیری خودراهبر داشت و همچنین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و آنی همبستگی منفی معناداری با یادگیری خودراهبر داشت. سبک تصمیم‌گیری عقلایی به‌صورت مثبت یادگیری خودراهبر را پیش‌بینی می‌کند و سبک اجتنابی و آنی به‌صورت منفی یادگیری خودراهبر را پیش‌بینی می‌کنند. بین دیگر سبک‌ها رابطه‌ای با یادگیری خود راهبر به‌دست نیامده است.

یعقوبی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند هدف‌گذاری که از راهبردهای عمیق رسیدن به هدف محسوب می‌شود رابطه معناداری با اهداف تسلط‌گرایش و عملکرد گرایش دارد آنها اظهار می‌دارند دانشجویانی که اهداف اجتنابی دارند تمایل به استفاده از راهبردهای سطحی برای فرار از موقعیت ناخوشایند دارند و به‌صورت عمیق به رفع نقص و یا رسیدن به نتیجه مطلوب نمی‌پردازند. حیدری، شهبازی و دریش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تصمیم‌گیری دانشجویان فوریت‌های پزشکی به این نتیجه رسیدند که آموزش حل مسئله مهارت تصمیم‌گیری دانشجویان را افزایش می‌دهد. ناصری، محمدی و صلواتی (۱۳۹۲) در تحقیقی پیرامون تأثیر مدیریت دانش بر تصمیم‌گیری سهامداران پرداخته‌اند و این نتیجه به‌دست آمد که ذخیره

1. Elliot
2. Dweck
3. Legget

دانش با تصمیم‌گیری سهامداران رابطه معنادار و مثبتی دارند بدین ترتیب که با افزایش ذخیره دانش سهامداران تصمیم‌گیری آنها بهبود می‌یابد.

اکبری و زارع (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی رفتارهای مخاطره‌آمیز در نوجوانان و ارتباط آن با هیجان‌طلبی و سبک‌های تصمیم‌گیری دریافتند که رفتار مخاطره‌جویانه با نمره کلی هیجان‌طلبی و زیر مقیاس‌های آن رابطه مثبت معنادار و با سبک تصمیم‌گیری شهودی و وابسته رابطه مثبت و با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه منفی داشت؛ و همچنین هیجان‌طلبی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه منفی داشته است. در پژوهشی تابش و زارع (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی باعث افزایش به‌کارگیری شیوه‌های تصمیم‌گیری شهودی و کاهش به‌کارگیری شیوه‌های تصمیم‌گیری اجتنابی، وابسته و آنی می‌گردد. تحقیقاتی در مورد راهبردهای فراشناختی از جمله خود‌نظم‌دهی به رابطه آن با عملکرد تحصیلی پرداخته‌اند. برای مثال نتایج تحقیق رضایی (۱۳۸۸) نشان داد راهبردهای یادگیری خود‌نظم‌دهی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای عملکرد تحصیلی می‌باشد. نتایج پژوهش هاشمی و خیر (۱۳۸۷) نشان داد که علی‌رغم وجود رابطه مثبت و معنادار میان کنترل‌ناپذیری و خطر افکار با اهداف پیشرفت عملکرد - رویکردی، عملکرد - اجتنابی و تسلط - رویکردی اما این بعد تنها پیش‌بینی‌کننده هدف عملکرد اجتنابی می‌باشد. مقدم و طهرانی (۱۳۸۷) در پژوهشی دریافتند که بین سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی رابطه معنادار منفی و بین سبک تصمیم‌گیری عقلایی و اجتنابی و بین سبک تصمیم‌گیری شهودی و آنی رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین بین سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و هریک از سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی و آنی در این بررسی رابطه معنادار منفی به‌دست آمد، در این بررسی رابطه معناداری بین هریک از سبک‌های تصمیم‌گیری و دو ویژگی جمعیت شناختی سابقه خدمت و تحصیلات به‌دست نیامد. سچوماکر^۱ (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود دریافت که بین سبک اجتنابی و عقلایی رابطه معناداری وجود دارد درحالی‌که در دیگر سبک‌های تصمیم‌گیری این رابطه مشاهده نگردید. تانلهم (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای دریافت که بین سبک تصمیم‌گیری آنی و احساسی با استرس رابطه معناداری وجود دارد درحالی‌که این رابطه با سبک‌های عقلایی، شهودی و وابستگی مشاهده نگردید. برن^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای نشان داد که مأموریت‌ها و سیاست‌های سازمان تصمیم‌گیری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ویژگی‌های فردی و نوع ارتباطات بر فرآیند تصمیم‌گیری آنان تأثیر قابل‌ملاحظه دارد. پارکر و همکاران (۲۰۰۷) نیز به این نتیجه دست یافتند که بین سبک عقلایی و هریک از سبک‌های تصمیم‌گیری شهودی، آنی و اجتنابی رابطه معنادار منفی، بین سبک تصمیم‌گیری شهودی و آنی و بین سبک تصمیم‌گیری وابستگی و اجتنابی رابطه معنادار مثبت به‌دست آمد. لورنس (۲۰۰۳) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان "رهبری استراتژیک و تصمیم‌گیری" به این نتیجه دست یافت که ظرفیت رهبری و تفکر

1. Sechomaker

2. Burn

استراتژیک مستلزم تجسم عملکرد، فراشناخت، خودآگاهی، قضاوت، دانش، مهارت و تجربه حرفه‌ای، راهبردهای حرفه‌ای، آگاهی از محیط، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مسأله، مهارت‌های تصمیم‌گیری، قدرت برانگیزاندن خود و دیگران است وی تأکید کرده است که بدون تفکر فراشناختی فرد قادر به مدیریت خود به‌عنوان یک رهبر و متفکر استراتژیک نخواهد بود. کومار (۱۹۹۸) در تحقیق خود پیرامون تأثیر فراشناخت بر تصمیم‌گیری‌های مدیریتی به این نتیجه رسید که مدیرانی که از مهارت‌های فراشناختی استفاده می‌کنند می‌توانند تصمیمات مؤثری اتخاذ کنند. با توجه به پیشینه تحقیق در مورد متغیرهای تحقیق می‌توان استنباط کرد که افرادی که از راهبرد خودنظم‌دهی بیشتر استفاده می‌کنند در انجام فعالیت‌های شناختی مانند تحصیل، حل مسأله، تصمیم‌گیری و غیره موفق‌تر هستند همچنین افراد دارای اهداف تبحری موفق‌تر از افرادی هستند که دارای اهداف عملکردی و اجتنابی هستند لذا به نظر می‌رسد توجه جدی به توانمندی‌های فراشناختی از جمله خودنظم‌دهی و اهداف تبحری در دانشجویان می‌تواند در موفقیت آنها، در تصمیم‌گیری و استفاده از سبک تصمیم‌گیری عقلایی و مناسب با شرایط یاری کند. نبود آگاهی و استفاده نکردن از این راهبردها و اهداف می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات نادرست و غیرعقلایی در مراحل زندگی و ضررهای جبران‌ناپذیر در اثر تصمیمات نادرست باشد. به جهت این‌که دانشجویان قشر مهمی از جامعه هستند و در مرحله‌ای هستند که باید تصمیمات مهمی درباره تحصیل، انتخاب رشته، شغل، ازدواج، محل زندگی و غیره بگیرند و خواه‌ناخواه در اداره امور و مسؤولیت‌های مهم به‌عنوان تصمیم‌گیرنده و مدیر در بطن جامعه قرار خواهند گرفت باید دارای توانایی اتخاذ تصمیمات مفید و به‌دور از تنش و فشار روانی داشته باشند. با توجه به اهمیت موضوع و برای پی بردن و کشف این مسأله که دانشجویان این دانشگاه تا چه حد واجد ویژگی و توانایی خودنظم‌دهی فراشناختی می‌باشند و چقدر نسبت به آن آگاهی دارند و با چه اهداف پیشرفتی، سبک تصمیم‌گیری خود را اتخاذ می‌نمایند، این تحقیق در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز انجام شد. اهمیت تحقیق حاضر مشخص کردن روش‌های بهبود تصمیم‌گیری برای دانشجویان با توجه به تفاوت‌های جهت‌گیری هدفی آنها می‌باشد. تحقیق حاضر با هدف دستیابی به پاسخ این سؤال انجام شد که راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) در پیش‌بینی سبک‌های تصمیم‌گیری (عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی) چقدر سهم دارند.

۲. روش پژوهش

۲-۱. جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بودند و

بر اساس اطلاعات به دست آمده تعداد آن‌ها ۳۱۵۲۹ نفر بود. با در نظر گرفتن جدول مورگان^۱- گرجسی^۲ و مطابق با جامعه آماری ۳۱۵۲۹ نفری ۳۷۹ نفر (۲۱۹ مرد، ۱۶۰ زن) به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای نسبتی بود. بدین طریق که جدول توزیع افراد جامعه بین هریک از طبقات تهیه شد و نسبت درصد و سهم هر یک از طبقات در کل جمعیت جامعه محاسبه و با توجه به سهم هر طبقه در جامعه نسبت درصد و سهم آن طبقه در افراد نمونه نیز معین شد؛ و بعد به صورت تصادفی از افراد نمونه آزمون گرفته شد؛ که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: جدول انتخاب نمونه به تفکیک طبقات جامعه مورد نظر

نام دانشکده	تعداد		حجم نمونه		درصد
	دختران	پسران	دختر	پسر	
ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی	۱۱۷۱	۴۶۱	۱۴	۵	۷۳/۶۸
پزشکی	۱۱۵۴	۳۶۱	۱۴	۴	۷۷/۷۷
حقوق و علوم سیاسی	۹۶۲	۲۳۱۵	۱۲	۲۸	۳۰
دامپزشکی	۱۳۷	۶۴۵	۲	۸	۲۰
علوم انسانی	۲۵۶۴	۱۴۲۰	۳۱	۱۷	۶۴/۵۸
علوم پایه	۸۵۰	۵۶۴	۱۰	۷	۵۸/۸۲
فنی و مهندسی ۱	۱۵۰۹	۵۲۷۱	۱۸	۶۳	۲۲/۲۲
فنی و مهندسی ۲	۱۰۱۶	۲۷۹۳	۱۲	۳۴	۲۶/۰۸
مدیریت، اقتصاد و حسابداری	۱۲۶۲	۲۴۳۴	۱۵	۲۹	۳۴/۱۰
معماری و هنر	۱۸۹۱	۱۳۹۵	۲۳	۱۷	۵۷/۵۰
کشاورزی	۷۹۶	۵۵۸	۹	۷	۵۶/۲۵
جمع کل	۱۳۳۱۲	۱۸۲۱۷	۱۶۰	۲۱۹	۴۲/۲۰

۱-۲. ابزارهای گردآوری داده‌ها

پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری پینتریچ و همکاران (۱۹۹۱): پرسشنامه راهبردهای انگیزشی برای یادگیری توسط پینتریچ، اسمیت^۳، گارسیا^۴ و مک کیچی^۵ در سال ۱۹۹۱ در ۸۱ گویه تنظیم شده است و شامل دو بخش "باورهای انگیزشی" و "راهبردهای خودتنظیمی یادگیری" می‌باشد. مقیاس مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارت است از خرده مقیاس خود نظم‌دهی فراشناختی از بخش راهبردهای خودتنظیمی یادگیری که دارای ۱۲ گویه است. آزمودنی‌ها بر اساس راهنمای پرسشنامه، پاسخ‌های خود را روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت از یک (اصلاً در مورد من

1. Morgan
2. Krejcie
3. Smith
4. Garsia
5. Mckychi

صدق نمی‌کند) تا هفت (کاملاً در مورد من صدق می‌کند) رتبه‌بندی می‌کنند. حداقل نمره مقیاس خودنظم‌دهی ۱۲ و حداکثر ۸۴ می‌باشد، نمرات بالاتر از میانگین به منزله استفاده بیشتر از این راهبرد است. پینتریچ و همکاران (۱۹۹۱) برای تعیین پایایی این پرسشنامه از روش همسانی درونی استفاده کرده‌اند. با توجه به این که پینتریچ و همکاران این مقیاس را براساس تحقیقات وسیع و اصول نظری طراحی کرده و بارها آن را مورد تجدیدنظر قرار داده‌اند، دارای روایی محتوایی می‌باشد. سیف و لطیفیان (۱۳۸۶) پایایی این پرسشنامه را به روش همسانی درونی محاسبه کردند و ضرایب آلفای کرونباخ حاصله برای بخش انگیزش بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۸ و برای بخش راهبردهای یادگیری بین ۰/۷۱ تا ۰/۷۷ به دست آوردند که نشان از همسانی درونی قابل قبول در فرهنگ ایرانی دارد. اعتبار کلی پرسشنامه در تحقیق خرازی، اژه‌ای، قاضی طباطبایی و کارشکی (۱۳۸۷) ۰/۸۹ گزارش شده است. اعتبار پرسشنامه به روش همسانی درونی آلفای کرونباخ در تحقیق حاضر ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری اسکات و بروس: اسکات و بروس در سال ۱۹۹۵، برای سنجش سبک تصمیم‌گیری افراد، پرسشنامه سبک‌های تصمیم‌گیری را به روش تحلیل عاملی طراحی و اعتباریابی کردند. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال است، که پنج سبک تصمیم‌گیری به عبارتهای عقلایی، شهودی، اجتنابی، وابسته و آنی را اندازه‌گیری می‌نماید. برای هر سبک پنج سؤال در نظر گرفته شده است. آزمودنی‌ها براساس راهنمای پرسشنامه پاسخ‌های خود را روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (هرگز، ۱، بندرت، ۲، گاهی، ۳، بیشتر، ۴، همیشه، ۵) رتبه‌بندی می‌کنند. حداقل نمره کسب شده در پنج سبک ۲۵ و حداکثر آن ۱۲۵ خواهد بود براساس مجموع نمرات هر شخص در هر سبک، سبک غالب او که نمره‌ای بین ۵ تا ۲۵ است مشخص خواهد شد. اعتبار این پرسشنامه برای سبک‌ها در پژوهشی دیگر که بر روی ۴۰۰ دانشجوی در انگلستان صورت گرفته، با آلفای کرونباخ، ۰/۶۷ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (اسپیکر و ساندر اسمیت، ۲۰۰۵). در ایران نیز، در پژوهشی این پرسشنامه براساس نسخه اصلی آن هنجار گردیده است. در پژوهشی دیگر که بر روی ۹۴۰ دانشجوی در سراسر کشور صورت گرفته، ضرایب اعتبار برای سبک‌ها با آلفای کرونباخ، از ۰/۶۳ تا ۰/۸۳ گزارش شده است (زارع و عبدالله‌زاده، ۱۳۹۱). اعتبار این پرسشنامه در تحقیق حاضر به روش همسانی درونی آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه اهداف پیشرفت میدگلی و همکاران: برای بررسی اهداف پیشرفت پرسشنامه جهت‌گیری هدف میدگلی و همکاران (۱۹۹۸) مورد استفاده قرار گرفت. که توسط (میدگلی^۱، کاپلان^۲ و میدلتون^۳، ۱۹۹۸) ساخته شده است. پرسشنامه دارای ۱۸ سؤال، ۳ خرده‌آزمون ۶ سؤال برای تعیین اهداف (تبحری و رویکردی و اجتنابی) است. پاسخ‌دهی به سؤالات براساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای است. آزمودنی‌ها براساس راهنمای پرسشنامه، پاسخ‌های خود را روی یک مقیاس ۷

1. Midgley
2. Kaplan
3. Middleton

درجه‌ای لیکرت از یک (اصلاً در مورد من صدق نمی‌کند) تا هفت (کاملاً در مورد من صدق می‌کند) رتبه‌بندی می‌کنند. حداقل نمره هر مقیاس ۷ و حداکثر ۴۲ می‌باشد میانگین نمره آیت‌های سازنده هر مقیاس نمره فرد در آن مقیاس است. در پژوهش کارشکی روایی نسخه فارسی این پرسشنامه به وسیله کارشناسان تأیید شده و پایایی آن نیز بر اساس آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی تأییدی احراز گردیده است (کارشکی، ۱۳۸۷). اعتبار خرده‌آزمون‌های پرسشنامه مذکور بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. اعتبار کلی پرسشنامه در اجرای نهایی نیز ۰/۸۴ و اعتبار خرده‌آزمون‌های آن به ترتیب ۰/۸۴/۸۷، ۰/۷۶ و به دست آمده (الیوت، فونسکا و مولر، ۲۰۰۶) در پژوهشی (کارشکی، بهمن‌آبادی و بلوچ‌زاده، ۱۳۹۲) ضریب آلفای کلی پرسشنامه را ۰/۸۱ و برای خرده‌مؤلفه‌ی اول ۰/۸۸ و برای خرده‌مؤلفه‌ی دوم ۰/۸۸ و برای خرده‌مؤلفه‌ی سوم ۰/۵۸ گزارش کردند. اعتبار این پرسشنامه در تحقیق حاضر به روش همسانی درونی آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از اجرای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss و به کمک روش‌های آماری (میانگین، انحراف معیار، فراوانی، درصد) جهت بررسی ویژگی‌های توصیفی متغیرها استفاده شد. تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها به روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری با استفاده از نرم‌افزار آماری Spss انجام شد.

۲-۲. شیوه اجرای پژوهش

در این پژوهش روش جمع‌آوری اطلاعات شامل: روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی بود. بعد از انتخاب نمونه مورد نظر اجرای پرسشنامه‌های راهبردهای یادگیری، سبک‌های تصمیم‌گیری و اهداف پیشرفت در بین دانشجویان دوره کارشناسی صورت گرفت و مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳. یافته‌های پژوهش

تعداد شرکت‌کنندگان در مطالعه ۳۷۹ نفر (۲۱۹ مرد و ۱۶۰ زن) و میانگین سنی آنها ۲۳ سال و ۵ ماه بود. توصیف آماری نمرات افراد مورد مطالعه نشان داد حداقل نمره خودنظم‌دهی فراشناختی ۲۴، حداکثر ۸۱ با میانگین ۵۵/۵۳ می‌باشد. میانگین نمرات سبک عقلایی ۱۷/۹۹، میانگین نمرات سبک شهودی ۱۸/۱۴، میانگین نمرات سبک وابستگی ۱۵/۳۱، میانگین نمرات سبک اجتنابی ۱۱/۵۸ و میانگین نمرات سبک آنی ۱۲/۷۶ می‌باشد. میانگین نمرات مؤلفه بحری ۳۱/۴۱، میانگین مؤلفه عملکردی ۳۰/۷۱ و میانگین مؤلفه اجتنابی ۲۷/۱۲ می‌باشد. ۴۲/۲ درصد افراد نمونه را دختران و ۵۷/۸ درصد افراد نمونه را پسران تشکیل می‌دادند. به منظور بررسی صحت و سقم فرضیه‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیری استفاده شده است که نتایج در ادامه ارائه می‌گردد. فرضیه‌ها و سؤالاتی که تحقیق با استفاده از جدول آماری همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت که در جدول ۲، ماتریس همبستگی متغیرهای مربوط ارائه و سپس به تفکیک هر یک از فرضیات و سؤالات صحت و سقم آن‌ها بررسی می‌شود.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیرها	خودنظم- دهی	تبحری	عملکردی	اجتنابی	عقلایی	شهودی	وابستگی	اجتنابی	آنی
خود-نظم‌دهی	۱								
تبحری	۰/۵**	۱							
عملکردی	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۱						
اجتنابی	۰/۱۱۲*	-۰/۱۷**	۰/۲۲**	۱					
عقلایی	۰/۲۳**	۰/۱۱۹*	-۰/۰۲۹	-۰/۱۷**	۱				
شهودی	-۰/۰۲	-۰/۱۳**	۰/۰۲	۰/۰۵۲	۰/۳۴**	۱			
وابستگی	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۸۵	۰/۰۴۷	۰/۰۰۲	۰/۱۵**	۱		
اجتنابی	-۰/۱۷**	-۰/۱۳**	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۸	۰/۱۰۳*	۰/۲۷**	۱	
آنی	۰/۰۳	-۰/۵۷	۰/۰۶۳	۰/۱۲	-۰/۱۴**	-۰/۰۱۶	۰/۴۳**	۰/۳۹**	۱

**P<۰/۰۱

*P<۰/۰۵

با توجه به داده‌های جدول ۲، بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی ($r=0/23$) دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد. همچنین با توجه به داده‌های جدول ۲ بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی با سبک تصمیم‌گیری اجتنابی ($r=-0/17$) دانشجویان رابطه منفی وجود دارد. بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی، شهودی و آنی رابطه معنادار مشاهده نشد. با توجه به داده‌های جدول ۲ بین اهداف پیشرفت تبحری با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه مثبت و با سبک تصمیم‌گیری شهودی رابطه منفی وجود دارد. بین اهداف پیشرفت تبحری با سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی، آنی اجتنابی رابطه معنادار مشاهده نشد. بین اهداف پیشرفت عملکردی با سبک‌های تصمیم‌گیری (عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی اجتنابی) رابطه معناداری دیده نشد. بین اهداف پیشرفت اجتنابی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی دانشجویان رابطه منفی وجود دارد. به طوری که میزان همبستگی در سطح $P < 0/05$ از لحاظ آماری معنادار است. بین اهداف پیشرفت اجتنابی با سبک‌های تصمیم‌گیری (شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی) رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. برای پیش‌بینی متغیرهای ملاک تحقیق از روش تحلیل رگرسیون چندمتغیری به صورت همزمان استفاده شد، پیش‌فرض این روش مفروضه خطی بودن و نرمال بودن نمرات باقی‌مانده برای متغیرهای ملاک رعایت گردید. جدول ۳ خلاصه مدل پیش‌بین نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری را براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) نشان می‌دهد.

جدول ۳: خلاصه مدل پیش‌بین نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری بر اساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی)

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
عقلایی	۰/۰۳۲۲	۰/۱۰۴	۰/۹۰۴	۲/۶۶
شهودی	۰/۱۷۹	۰/۰۳۲	۰/۰۲۲	۲/۶۹
وابستگی	۰/۰۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۲/۱۶
اجتنابی	۰/۱۶۴	۰/۰۲۷	۰/۰۱۷	۳/۶۸
آنی	۰/۲۰۱	۰/۰۴	۰/۰۳	۳/۵۸

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضریب تعیین برای مدل برای سبک عقلایی برابر ۰/۱۰۴ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مدل نهایی ۱۰ درصد واریانس سبک تصمیم‌گیری عقلایی براساس خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) تبیین می‌شود. ضریب تعیین برای مدل برای سبک شهودی برابر ۰/۰۳۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مدل نهایی ۳ درصد واریانس سبک تصمیم‌گیری شهودی براساس خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) تبیین می‌شود. ضریب تعیین برای مدل برای سبک وابستگی

برابر ۰/۰۰۸ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مدل نهایی ۰/۸ درصد واریانس سبک تصمیم‌گیری وابستگی براساس خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) تبیین می‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب تعیین برای مدل برای سبک اجتنابی برابر ۰/۰۲۷ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مدل نهایی ۲ درصد واریانس سبک تصمیم‌گیری اجتنابی براساس خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) تبیین می‌شود. همچنین ضریب تعیین برای مدل برای سبک آنی برابر ۰/۰۴ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت در مدل نهایی ۴ درصد واریانس سبک تصمیم‌گیری آنی براساس خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) تبیین می‌شود.

همچنین آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیون پیش‌بینی نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) انجام شد که در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴: آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیون پیش‌بینی نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی)

گام	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری
عقلایی	رگرسیون	۳۰۳/۴۵۱	۴	۷۵/۸۶۳	۱۰/۸۰۲	۰/۰۰۱
	باقی‌مانده	۲۶۲۶/۵۳۹	۳۷۴	۷/۰۲۳		
	کل	۲۹۷۲۵/۶۸۹	۳۷۸			
شهودی	رگرسیون	۸۹/۹۱۳	۴	۲۲/۴۷۸	۷/۰۹۲	۰/۰۱۶
	باقی‌مانده	۲۷۱۸/۹۵۲	۳۷۴	۷/۲۷		
	کل	۲۸۰۸/۸۶۵	۳۷۸			
وابسته	رگرسیون	۲۱/۰۴۳	۴	۵/۲۶۱	۰/۷۷	۰/۵۴۵
	باقی‌مانده	۲۵۵۵/۸۲۸	۳۷۴	۶/۸۳۴		
	کل	۲۵۷۶/۸۸۱	۳۷۸			
اجتنابی	رگرسیون	۱۴۰/۹۱۴۳	۴	۳۲/۲۲۹	۲/۵۹۵	۰/۰۳۶
	باقی‌مانده	۵۰۷۷/۲۱۸	۳۷۴	۱۳/۵۷۵		
	کل	۵۲۱۸/۱۳۲	۳۷۸			
آنی	رگرسیون	۲۰/۱۷۶۳	۴	۵۰/۴۴۱	۳/۹۲۱	۰/۰۰۴
	باقی‌مانده	۴۸۱۰/۸۶۵	۳۷۴	۱۲/۸۶۳		
	کل	۵۰۱۲/۶۲۸	۳۷۸			

براساس نتایج جدول ۴، F مشاهده‌شده برای پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری عقلایی برابر با (۱۰/۸۰۲) به‌دست آمد که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < ۰/۰۵$). پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری عقلایی را می‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به‌صورت خطی پیش‌بینی کرد. بر اساس نتایج جدول ۴، F

مشاهده شده برای پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری شهودی برابر است با (۷/۰۹۲) که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < ۰/۰۵$). پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری شهودی را می‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به صورت خطی پیش‌بینی کرد. براساس نتایج جدول ۴، F مشاهده شده برای پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری برابر است با (۰/۷۷) که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P > ۰/۰۵$). پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری وابستگی را نمی‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به صورت خطی پیش‌بینی کرد. براساس نتایج جدول ۴، F مشاهده شده برای پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری اجتنابی برابر است با (۰/۰۳۶) که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < ۰/۰۵$). پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری اجتنابی را می‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به صورت خطی پیش‌بینی کرد. براساس نتایج جدول ۴، F مشاهده شده برای پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری اجتنابی را می‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به صورت خطی پیش‌بینی کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری آنی برابر است با (۳/۹۲۱) که از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < ۰/۰۵$). پس می‌توان نتیجه گرفت که نمرات سبک تصمیم‌گیری آنی را می‌توان از طریق نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) به صورت خطی پیش‌بینی کرد.

جدول ۵ ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت رانشان می‌دهد. به خاطر معنادار نبودن آزمون تحلیل واریانس برای بررسی معناداری مدل رگرسیون پیش‌بینی نمرات سبک تصمیم‌گیری وابستگی از آوردن ضریب رگرسیون برای این سبک صرف‌نظر شد.

جدول ۵: ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک‌های تصمیم‌گیری به ترتیب (عقلایی، شهودی، اجتنابی و آنی) براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی)

معناداری	T مقدار	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد نشده		مدل
		Beta	خطای معیار	B		
۰/۰۰۱	۱۹/۶۳۳	-	۰/۸۳	۱۶/۳۰۲		مقدار ثابت
۰/۳	۱/۰۳۷	۰/۰۶۱	۰/۰۲	۰/۰۲۱		متغیر ملاک
۰/۱۷۶	-۱/۳۵۷	-۰/۰۸۲	۰/۰۲۲	-۰/۰۳		سبک عقلایی
۰/۰۰۱	-۳/۳۱۷	-۰/۱۸۲	۰/۰۲	-۰/۰۶۵		اجتنابی
۰/۰۰۱	۴/۴۱	۰/۲۶۱	۰/۰۱۵	-۰/۰۶۷		خودنظم‌دهی
۰/۰۰۱	۲۱/۶۲۱	-	۰/۸۴۵	۱۸/۲۶۵		مقدار ثابت
۰/۰۰۱	-۳/۳۲۶	-۰/۲۰۵	۰/۰۲	-۰/۰۶۷		متغیر ملاک
۰/۴۰۵	۰/۸۳۳	۰/۰۵۳	۰/۰۲۲	۰/۰۱۹		سبک شهودی
۰/۳۲۳	۱/۱۹۷	۰/۰۶۸	۰/۰۲	۰/۰۲۴		اجتنابی
۰/۳۶۹	۰/۸۹۹	۰/۰۵۵	۰/۰۱۵	۰/۰۱۴		خودنظم‌دهی
۰/۰۰۱	۸/۶۶۲	-	۱/۱۵۴	۱۰		مقدار ثابت
۰/۰۲۸	-۲/۲	-۰/۱۳۶	۰/۰۲۸	-۰/۰۶۱		متغیر ملاک
۰/۵۶۹	۰/۵۷	۰/۰۲۶	۰/۰۳۱	۰/۰۱۷		سبک اجتنابی
۰/۰۲۹	۲/۱۹۶	-۰/۱۲۵	۰/۰۲۷	-۰/۰۶		اجتنابی
۰/۲۵۴	۱/۱۴۳	۰/۰۷	۰/۰۲۱	۰/۰۲۴		خودنظم‌دهی
۰/۰۰۱	۱۳/۹۱۲	-	۱/۱۲۴	۱۵/۶۳۴		مقدار ثابت
۰/۱۴	-۱/۴۷۸	-۰/۰۹۱	۰/۰۲۷	-۰/۰۴		متغیر ملاک
۰/۱۱۲	۱/۵۹۴	۰/۱	۰/۰۳	۰/۰۴۷		سبک آنی
۰/۹۵۴	۰/۰۵۸	-۰/۰۰۳	۰/۰۲۷	۰/۰۰۲		اجتنابی
۰/۰۰۷	-۲/۷۲۷	-۰/۱۶۷	۰/۰۲۱	-۰/۰۵۶		خودنظم‌دهی

بر اساس نتایج جدول ۵، ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک تصمیم‌گیری عقلایی براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) نشان می‌دهد از بین ضرایب استاندارد شده بالاترین میزان بتا متعلق به خودنظم‌دهی فراشناختی (۰/۲۶۱)، سپس بعد اجتنابی اهداف پیشرفت (-۰/۱۸۲)، سپس بعد عملکردی اهداف پیشرفت (-۰/۰۸۲) و در نهایت بعد تبحری اهداف پیشرفت (۰/۰۶۱) هست. همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده تبحری برابر است با ۱/۰۳۷ که از لحاظ آماری معنادار نیست (P=۰/۳). همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده بعد عملکردی اهداف پیشرفت برابر است با -۱/۳۵۷ که از لحاظ آماری معنادار نیست (P=۰/۱۷۶). t مشاهده شده بعد اجتنابی برابر است با -۳/۳۱۷ که از لحاظ آماری معنادار است (P=۰/۰۰۱). همچنین t مشاهده شده برای خودنظم‌دهی فراشناختی برابر است با ۴/۴۱ که از لحاظ آماری معنادار است (P=۰/۰۰۱).

بر اساس نتایج جدول ۵، ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک تصمیم‌گیری شهودی براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) نشان می‌دهد که از بین ضرایب استاندارد شده بالاترین میزان بتا متعلق به بعد تبحری اهداف پیشرفت (۰/۲۰۵-)، سپس بعد اجتنابی (۰/۰۶۸) سپس خودنظم‌دهی فراشناختی (۰/۰۶۸) و در نهایت بعد عملکردی اهداف پیشرفت (۰/۰۵۳) می‌باشد. همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده تبحری برابر است با $-۳/۳۲۶$ که از لحاظ آماری معنادار است ($P=۰/۰۰۱$). همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده برای بعد عملکردی اهداف پیشرفت برابر است با $۰/۸۳۳$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۴۰۵$). t مشاهده شده برای بعد اجتنابی برابر است با $۱/۹۷۶$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۳۲۳$). همچنین t مشاهده شده برای خودنظم‌دهی فراشناختی برابر است با $۰/۸۹۹$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۳۶۹$).

بر اساس نتایج جدول ۵، ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک تصمیم‌گیری اجتنابی براساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) نشان داد از بین ضرایب استاندارد شده بالاترین میزان بتا متعلق به بعد تبحری اهداف پیشرفت (۰/۱۳۶-)، سپس بعد اجتنابی (۰/۱۲۵)، سپس خودنظم‌دهی فراشناختی (۰/۰۷) و در نهایت بعد عملکردی اهداف پیشرفت (۰/۰۳۶) هست. همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده تبحری برابر است با $۲/۲$ که از لحاظ آماری معنادار است ($P=۰/۰۲۸$). همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده برای بعد عملکردی اهداف پیشرفت برابر است با $۰/۵۷$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۵۶۹$). t مشاهده شده برای بعد اجتنابی برابر است با $۲/۱۹۶$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۰۲۹$). همچنین t مشاهده شده برای خودنظم‌دهی فراشناختی برابر است با $۱/۱۴۳$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۲۵۴$).

بر اساس نتایج جدول ۵، ضرایب رگرسیون برای پیش‌بینی نمرات سبک تصمیم‌گیری آنی بر اساس نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت (تبحری، عملکردی و اجتنابی) نشان داد، از بین ضرایب استاندارد شده بالاترین میزان بتا متعلق به خودنظم‌دهی فراشناختی (۰/۱۶۷-)، بعد تبحری اهداف پیشرفت (۰/۰۹۱-)، سپس بعد عملکردی (۰/۱) و در نهایت بعد اجتنابی اهداف پیشرفت (۰/۰۰۳) می‌باشد. همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده تبحری برابر است با $-۱/۴۷۸$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۱۴$). همچنین براساس نتایج، t مشاهده شده برای بعد عملکردی اهداف پیشرفت برابر است با $۱/۵۹۴$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۱۱۲$). t مشاهده شده برای بعد اجتنابی برابر است با $۰/۰۵۸$ که از لحاظ آماری معنادار نیست ($P=۰/۹۵۴$). همچنین t مشاهده شده برای خودنظم‌دهی فراشناختی برابر است با $-۲/۷۲۷$ که از لحاظ آماری معنادار است ($P=۰/۰۰۷$).

بحث و نتیجه‌گیری

راهبرد خودنظم‌دهی از زمره‌ی متغیرهای جدیدی است که در عرصه علم روانشناسی و مدیریت علوم و فنون مطرح شده است. این متغیر به نسبت جدید، به واسطه اهمیتی که امروزه برای ادارات سازمان‌ها و محیط‌های کار و همچنین برای مدیران به‌عنوان یک مهارت ضرورت پیدا نموده توجهات پژوهشی زیادی را به خود جلب کرده است. این که افراد با استفاده از راهبرد خودنظم‌دهی چگونه فعالیت‌های مربوط به سازمان خود به‌ویژه تصمیم‌گیری را به بهترین نحو انجام می‌دهند. به عبارت دیگر افرادی که از مهارت‌های فراشناختی خود استفاده می‌کنند به‌گونه‌ای مؤثرتر تصمیمی را اتخاذ می‌نمایند. فردی که سعی بر تقویت مهارت‌های فراشناختی خود دارد و تمام تلاش خود را بر پایه‌ی کاربرد این مهارت‌ها و راهبردها در فعالیت‌های خود دارد می‌توان گفت که نسبت به فردی که توجهی به این راهبردها ندارد موفق‌تر است. فردی که به‌هنگام تصمیم‌گیری همه‌ی جنبه‌های مربوط به مسئله را به‌دقت بررسی کرده و به‌گونه‌ای مؤثر با محیط پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کند و توانایی قضاوت کردن را دارا می‌باشد سازمان را با موفقیت اداره می‌کند. یافته نخست این تحقیق که نشان داد راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه مثبت دارد. گویای همین مطلب است که با نتایج بیشتر تحقیقات انجام شده در این باره هماهنگ است. همان‌گونه که نتایج تحقیق مهدیانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد بین مؤلفه فراشناخت و قوف‌شناختی و سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه مثبت وجود دارد. همچنین این نتیجه با نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۲) به‌نوعی همخوان است آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که آموزش مهارت‌های حل مسئله که با فراشناخت در ارتباط است مهارت‌های تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. این یافته با نتایج پژوهش کومار (۱۹۹۸) پیرامون تأثیر فراشناخت بر تصمیم‌گیری‌های مدیریتی همسویی دارد، همچنین با پژوهش لورنس (۲۰۰۳) در رابطه با اینکه ظرفیت رهبری و تفکر استراتژیک مستلزم تجسم عملکرد، فراشناخت، خودآگاهی، قضاوت، دانش، مهارت و تجربه حرفه‌ای، راهبردهای حرفه‌ای، آگاهی از محیط، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های تصمیم‌گیری، قدرت برانگیزاندن خود و دیگران است همسویی دارد یافته‌ها در ارتباط با تأثیر فراشناخت بر تصمیم‌گیری با پژوهش جعفری و مکتبی (۱۳۸۷) به‌گونه‌ای همسویی دارد این که مدیریت آموزشی مبتنی بر فراشناخت در مدارس با ابعاد اصلی پیش‌نگری، عملکرد، تعمق در خود و خودکارآمدی و مدیریت بر خود مرتبط است؛ و می‌تواند با نتایج تحقیق ناظمی و صفاری نیا (۱۳۹۴) همسو قرار گیرد. آنها در پژوهشی در مورد رابطه بین سبک‌های تصمیم‌گیری با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی نشان دادند سبک تصمیم‌گیری عقلایی ارتباط معنی‌داری با رفتارهای کارآفرینانه دارد. همچنین با پژوهش اکبری و زارع (۱۳۹۱) که نشان دادند رفتار مخاطره‌جویانه با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه منفی دارد؛ و همچنین هیجان‌طلبی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه منفی داشته است، به نوعی هماهنگ می‌باشد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت افرادی که از

راهبردهای فرا شناختی خود به هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند می‌توانند تصمیمات مؤثری اتخاذ نمایند. مهارت تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی، مثل زمانی که افراد با نوعی تضاد و تعارض روبه‌رو می‌شوند و نیاز به بررسی دقیق و موشکافانه آن موقعیت می‌باشند یکی از مهارت‌های فراشناختی است. در این شرایط افرادی که به این مهارت مسلط هستند، می‌توانند با تجزیه و تحلیل درست شرایط و موقعیت‌ها و استفاده از راهبردهای فراشناختی خود، به درستی تصمیم‌گیری کنند. براساس یافته دیگر این تحقیق که نشان داد بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی با سبک تصمیم‌گیری اجتنابی رابطه منفی وجود دارد می‌توان گفت که افرادی که از راهبرد خودنظم‌دهی فرا شناختی به هنگام تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند از سبک تصمیم‌گیری اجتنابی پرهیز می‌کنند و با کنترل رفتارهای خود سبک مناسبی را در موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری اتخاذ می‌کنند. این یافته با پژوهش تابش و زارع (۱۳۹۱) به نوعی همسویی دارد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های هوش هیجانی باعث کاهش به‌کارگیری شیوه‌های تصمیم‌گیری اجتنابی، وابسته و آنی می‌گردد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که تقویت راهبرد خودنظم‌دهی به فرد این امکان را می‌دهد که با شناخت، ادراک، تنظیم و کنترل رفتارهای خود پردازش‌های شناختی خود را مدیریت و بهبود بخشد.

براساس یافته‌های این تحقیق اهداف پیشرفت تبحری با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه مثبت و با سبک تصمیم‌گیری شهودی رابطه منفی دارد و اهداف پیشرفت اجتنابی با سبک تصمیم‌گیری عقلایی رابطه منفی دارد. با توجه به مطالعات انجام شده در مورد اهداف پیشرفت این یافته‌ای با آنها هماهنگ است. نتایج حاصل از اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با اهداف پیشرفت نشان می‌دهد که اهداف تبحری رابطه مثبتی با استفاده از راهبردهای شناختی عمیق هدف‌گذاری مناسب، یادگیری خودتنظیمی، مقابله کارآمد و مناسب با مشکلات و ناکامی، نمرات بالا و به‌طور کلی با بهزیستی روانی افراد دارد (ایمز، ۱۹۹۲؛ دووک^۱ و لگت^۲، ۱۹۸۸؛ لی و همکاران، ۲۰۱۰؛ کاپلان و فلوم، ۲۰۱۰). همچنین پژوهش‌ها نشان دادند که اهداف اجتنابی رابطه مثبتی با استفاده از راهبردهای سطحی یادگیری همچون مرور ذهنی و حفظ، کاهش انگیزش درونی، کاهش پایداری و درگیری در تکلیف، اجتناب از درخواست کمک، اضطراب و به‌طور کلی هیجانات منفی دارد (پینتریچ، ۲۰۰۰؛ لی، مک اینرنی و اورتیگا، ۲۰۱۰). همچنین به نوعی با نتایج پژوهش یعقوبی و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند هدف‌گذاری که از راهبردهای عمیق رسیدن به هدف محسوب می‌شود رابطه معناداری با اهداف تسلط‌گرایش و عملکرد گرایش دارد و به نوعی با نتایج تحقیق صیغ (۱۳۹۵) که نشان داد افراد با اهداف پیشرفت عملکردی اجتنابی انگیزه‌ای برای تسلط بر مهارت ندارند و فاقد خودنظم‌دهی هستند و اهداف پیشرفت عملکردی اجتنابی با تعلل‌ورزی رابطه مثبت

1. Dweck
2. Legget

داشته است؛ اما اهداف تبحری با تعلق ورزی همبستگی منفی معنی‌داری داشته است. همسو می‌باشد. در اهداف تبحری افراد بر تسلط بر وظیفه و افزایش قابلیت‌ها تمرکز دارند فردی که به افکارش آگاهی دارد به سبک تصمیم‌گیری عقلایی تمایل دارد. چون افراد دارای اهداف تبحری دارای تسلط بر یادگیری خود هستند و از راهبردهای عمیق یادگیری مانند خودنظم‌دهی استفاده می‌کنند. می‌توانند تصمیمات بهتری بگیرند؛ اما افراد دارای اهداف اجتنابی دارای چنین ویژگی‌هایی نیستند.

براساس یافته‌های این تحقیق، راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی قادر به پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری عقلایی می‌باشد. با افزایش نمرات خودنظم‌دهی نمرات سبک تصمیم‌گیری عقلایی افزایش می‌یابد؛ که با نتایج پژوهش تابش و زارع (۱۳۹۱) و با نتایج پژوهش عاشوری و همکاران (۱۳۸۸) که در بالا بدان‌ها اشاره شد به نوعی همخوان است. همچنین نتایج تحقیق رضایی (۱۳۸۸) که نشان داد راهبردهای یادگیری خودنظم‌دهی پیش‌بینی کننده معنی‌داری برای عملکرد تحصیلی می‌باشد. به نوعی همسو می‌باشد. همچنین اهداف پیشرفت اجتنابی قادر به پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری عقلایی می‌باشد. با افزایش نمرات اهداف پیشرفت اجتنابی نمرات سبک تصمیم‌گیری عقلایی کاهش می‌یابد همچنین اهداف پیشرفت تبحری قادر به پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری شهودی می‌باشد. با افزایش نمرات اهداف پیشرفت تبحری نمرات سبک تصمیم‌گیری شهودی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد، اهداف پیشرفت تبحری قادر به پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری اجتنابی هست. با افزایش نمرات اهداف پیشرفت تبحری نمرات سبک تصمیم‌گیری اجتنابی کاهش می‌یابد این نتایج به نوعی با نتایج تحقیقات صیف (۱۳۹۵) و یعقوبی و همکاران (۱۳۹۴) که در بالا بدان اشاره شد؛ و نتایج پژوهش هاشمی و خیر (۱۳۸۷) که نشان داد علی‌رغم وجود رابطه مثبت و معنادار میان کنترل‌ناپذیری و خطر افکار با اهداف پیشرفت عملکرد - رویکردی، عملکرد - اجتنابی و تسلط - رویکردی اما این بعد تنها پیش‌بینی‌کننده هدف عملکرد اجتنابی می‌باشد. می‌تواند در یک راستا قرار گیرد؛ و در نهایت راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی قادر به پیش‌بینی سبک تصمیم‌گیری آنی می‌باشد با افزایش نمرات خودنظم‌دهی فراشناختی نمرات سبک تصمیم‌گیری آنی کاهش می‌یابد؛ که به نوعی با نتایج تحقیق آهنچیان و عصاررودی (۱۳۹۴) همسو می‌باشد آنها به این نتیجه رسیدند که. سبک تصمیم‌گیری عقلایی به صورت مثبت یادگیری خودراهبر را پیش‌بینی می‌کند و سبک اجتنابی و آنی به صورت منفی یادگیری خودراهبر را پیش‌بینی می‌کنند؛ و همچنین با نتایج تحقیق تانهم (۲۰۰۴) می‌توان در یک راستا قرار داد. که نشان داد. بین سبک تصمیم‌گیری آنی و احساسی با استرس رابطه معناداری وجود دارد درحالی‌که این رابطه با سبک‌های عقلایی، شهودی و وابستگی مشاهده نگردید. می‌توان استنباط کرد که توجه جدی به توانمندی‌های فراشناختی از جمله خودنظم‌دهی و اهداف تبحری در دانشجویان می‌تواند در موفقیت آنها، در تصمیم‌گیری و استفاده از سبک تصمیم‌گیری عقلایی و مناسب با شرایط یاری کند.

نبود آگاهی و استفاده نکردن از این راهبردها و اهداف می‌تواند باعث اتخاذ تصمیمات نادرست و غیر عقلایی در مراحل زندگی و ضررهای جبران‌ناپذیر در اثر تصمیمات نادرست باشد. توجه به این که مطالعه‌ای در خصوص پیش‌بینی سبک‌های تصمیم‌گیری از طریق راهبرد خودنظم‌دهی و اهداف پیشرفت انجام شده که بتوان آن را شاهدهی بر این مطالعه دانست. بنابراین ثبات یافته‌ها تحقیقات آتی در این زمینه را می‌طلبد. در پایان قابل ذکر است تازگی این پژوهش از محدودیت‌های محقق برای مقایسه با پژوهش‌های دیگر در تبیین و نتیجه‌گیری بوده است. همچنین استفاده از ابزار تحقیق پرسشنامه به دلیل این که ممکن است عکس‌العمل پاسخ‌دهندگان را در پی داشته باشد از محدودیت‌های اصلی این تحقیق است. نتایج به دست آمده از تحقیق محدود به داده‌های به دست آمده از دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز می‌باشد لذا تعمیم یافته‌ها به سایر مناطق با احتیاط انجام گیرد.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به یافته‌های این تحقیق درباره رابطه بین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی و اهداف پیشرفت با سبک‌های تصمیم‌گیری پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های تحصیلی مدارس و دانشگاه‌ها سطح مهارت‌های فراشناختی و نوع اهداف پیشرفت دانش‌آموزان و دانشجویان مشخص شود و اقدامات و آموزش‌ها متناسب با آن انجام گیرد و به تبع آن مهارت‌های تصمیم‌گیری آن‌ها افزایش یابد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته‌های این تحقیق و اهمیت راهبردهای فراشناختی به‌ویژه راهبرد خودنظم‌دهی و اهداف پیشرفت و رابطه آن‌ها با سبک‌های تصمیم‌گیری باید نظام آموزشی در جهت آگاهی اساتید و دانشجویان از راهبردهای فراشناختی به‌ویژه خودنظم‌دهی و اهداف پیشرفت اقدامات لازم را انجام دهند.

راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی، پیش‌بینی‌کننده مثبت و خوبی برای سبک تصمیم‌گیری عقلایی می‌باشد. همچنین راهبرد خودنظم‌دهی فراشناختی، سبک تصمیم‌گیری آنی را به صورت منفی و معکوس پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت اجتنابی به صورت منفی و معکوس سبک تصمیم‌گیری عقلایی را پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت تبصری، سبک تصمیم‌گیری شهودی و اجتنابی را به صورت منفی و معکوس پیش‌بینی می‌کند. اهداف پیشرفت عملکردی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای سبک‌های تصمیم‌گیری نبود. با توجه به نتایج این تحقیق راهبرد خودنظم‌دهی و اهداف پیشرفت تبصری در دانشجویان باید مورد توجه قرار گیرد تا آنها بتوانند با اتخاذ سبک تصمیم‌گیری عقلایی تصمیمات سنجیده بگیرند و از اهداف پیشرفت اجتنابی و سبک‌های نامناسب تصمیم‌گیری دوری نمایند.

منابع

- آریا زند، علیرضا. (۱۳۸۸). «جایگاه مدیریت دانش در تصمیم‌گیری‌های مدیران مدارس آموزش و پرورش تهران»، فصلنامه مدیریت، ۷(۱۷)، ۶۶-۸۱.
- آهنچیان، محمدرضا و عصارودی، عبدالقادر. (۱۳۹۴). «ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری و یادگیری خودراهبر در دانشجویان هوشبری». *مجله علوم مراقبتی نظامی*، ۲(۱)، ۲۴-۳۲.
- باقریان، محمد. (۱۳۸۰). *تصمیم‌گیری حکیمانه: رویکردی جدید به الگو سازی در مدیریت*. تهران: مرکز آموزشی مدیریت دولتی.
- تابش، فهیمه و زارع، حسین. (۱۳۹۱). «تأثیر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، اجتنابی، وابسته و آنی». *مجله علوم رفتاری*، ۶(۴)، ۳۲۳-۳۲۹.
- جعفری، پیروش و مکتبی، سیدحبيب. (۱۳۸۷). «ارائه مدل مدیریت آموزش شگامی مبتنی بر فرا شناخت برای مدیران مدارس ابتدایی». *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد واحد گرمسار*، ۲(۲)، ۵۲-۶۰.
- حیدری، محمد؛ شهبازی، سارا و دریش، فاطمه. (۱۳۹۲). «تأثیر آموزش حل مسئله بر تصمیم‌گیری دانشجویان فوریت پزشکی». *مجله مدیریت ارتقای سلامت*، ۲۰(۲)، ۲۵-۳۱.
- خرازی، علینقی؛ ازهای، جواد؛ قاضی طباطبایی، محمود و کارشکی، حسین. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و راهبردهای فراشناختی: آزمون یک الگوی علی». *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۸(۳)، ۶۹-۸۷.
- رضایی، اکبر. (۱۳۸۸). «نقش باورهای معرفت‌شناختی، سبک‌های تفکر، راهبردهای یادگیری در عملکرد تحصیلی دانشجویان». *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۱۶، ۱۸۵-۲۰۱.
- رضایی، اکبر. (۱۳۹۴). *روانشناسی انگیزش در آموزش و پرورش (نظریه‌ها، پژوهش‌ها و الگوها)*. تبریز: انتشارات شایسته.
- زارع، حسین و عبدالله‌زاده، حسن. (۱۳۹۱). *مقیاس‌های اندازه‌گیری در روانشناسی شناختی*. تهران: نشر آبیژ.
- شانک، دیل. اچ. (۱۳۹۳). *نظریه‌های یادگیری چشم‌اندازی تربیتی (ویرایش ششم، ترجمه اکبر رضایی)*. تبریز: انتشارات آیدین.
- صیف، محمدحسین. (۱۳۹۵). «تدوین مدل علی تعلق‌ورزی تحصیلی براساس جهت‌گیری هدف تحصیلی با نقش واسطه‌ای درگیری تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی». *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۴(۶)، ۱۰۳-۱۱۷.
- کارشکی، حسین. (۱۳۸۷). «نقش اهداف پیشرفت در مؤلفه‌های یادگیری خودتنظیمی». *تازه‌های علوم شناختی*، ۱(۳)، ۱۳-۲۱.
- لطیفیان، مرتضی و سیف، دیبا. (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان». *نشریه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۶(۳)، ۱۵۰-۱۳۷.

- مهدیانی، عارفه؛ رجایی پور، سعید؛ عابدینی، یاسمین. (۱۳۹۲). رابطه مؤلفه فراشناخت و قوف شناختی و سبک تصمیم‌گیری عقلایی در مدیران دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها*.
- محمودی، زهرا. (۱۳۷۶). بررسی رابطه خودپنداری، یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوم راهنمایی شهرستان شهریار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس. ناصری، رؤیا؛ محمدی، اسفندیار؛ صلواتی، عادل. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مدیریت دانش بر تصمیم‌گیری سهامداران نسبت به خرید و فروش سهام در بازار بورس اوراق بهادار تهران. *ششمین کنفرانس مدیریت دانش*.
- نیک‌پی، ایرج؛ فرحبخش، سعید و یوسف وند، لیلا. (۱۳۹۵). «تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی (شناختی و فراشناختی) بر سبک‌های اسنادی و ابعاد آن (منبع‌علیت، ثبات‌علیت، کلی بودن‌علیت) در دانش‌آموزان». *دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۴(۷)، ۹۳-۱۰۸.
- ناظمی، فاطمه؛ صفاری‌نیا، مجید. (۱۳۹۴). «رابطه بین سبک‌های تصمیم‌گیری و ادراک ریسک با رفتارهای کارآفرینانه در بین مدیران فرهنگی». *فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ۴(۴)، ۸۹-۱۱۷.
- هادیزاده مقدم، اکرم؛ طهرانی، مریم. (۱۳۸۹). «تبیین رابطه بین هوش هیجانی و سبک تصمیم‌گیری مدیران». *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانش‌سور/ رفتار مدیریت و پیشرفت دانشگاه شاهد*، ۱۸(۲)، ۶۲-۴۷.
- هادیزاده مقدم، اکرم؛ طهرانی، مریم. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مدیران در سازمان‌های دولتی». *نشریه مدیریت دولتی*، ۱۱(۱)، ۱۳۸-۱۲۳.
- هاشمی، زهرا؛ خیر، محمد. (۱۳۸۷). «بررسی رابطه ابعاد فراشناخت عاطفی و جهت‌گیری هدف». *فصلنامه عملیات پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۳(۱۱)، ۱۵۰-۱۲۷.
- یعقوبی، ابوالقاسم؛ جهان، فائزه؛ کردنوقایی، رسول؛ رشید، خسرو. (۱۳۹۴). «اثر آموزش هدف‌گذاری بر اهداف پیشرفت و انگیزه پیشرفت». *دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۳(۵)، ۹۱-۱۰۵.
- Adair, J. (2007). *Decision-making and problemsolving strategies*. London: konganpage.
- Ames, C. (1992). "Classrooms: Goals, structures, and student motivation". *Journal of Educational Psychology*, (84), 261-271.
- Bianca, C. and Rowden, Q. (2013). *The effects of self-regulated learning strategy in struction and structured- dairy use on student self-regulated learning conduct and academic success in online community- colleg general education cours*. The university of sanfrancisco, USF scholarship repository.
- Dweck, C. and Leggett, E. (1988). "A social cognitive approach tomotivation and personality". *Psychological Review*, 95, 256-273.
- Elliot, A. J. (1999). "Approach and avoidance motivation and achievementgoals". *Educational Psychologist*, 34, 169-189.

- Elliot, A. J.; Fonseca, D. and Moller, A. C. (2006). "Social-cognitive model of achievement motivation and the achievement goals framework". *Journal of Personality and social Psychology*, 99, 666-679.
- Fulop, J.; David, R. and Schweik, Ch. (2006). "What is Mean Decision", *Making in the Content of Eco-Informatics* p 204.
- Hablemitoglu, S. and Yildirm, F. (2008). "The relationship between perception of risk and decision making styles of Turkish university students". *Journal of World Applied Sciences*, 4, 214-224.
- Kaplan, A. and Flum, H. (2010). "Achievement goal orientations and identity formation styles". *Educational Reserch Review* 5, 50-67.
- Kumar, A. E. W. (1998). *The Influence of Meta cognition on managerial Hiring Decision making: Implication for management Development*.
- Lawrence, T. E. (2003). *Strategic Leadership and Dicision making National Defense university*.
- Lee, J. Q.; Mc Inerney, D. M.; Liem, G. A. D. and ortiga, Y. P. (2010). "The raalation ship between future goals and achivem goal orientations: An intrinsic- extrinsic motivation perspective". *Jornal of contemporary Educational psychology*, 1-16.
- Miller, DC. and Byrnes, JP. (2001). *Adolescents decision making in social situation: Aself- regulation perspective*. *J APPI Dev Psycol*. 22(3): 237-56.
- Midgley, C.; Kaplan, A.; Middleton, M.; Maehr, M L.; Urdan, T. ;Anderman, L. H.; Anderman, E. and Roeser, R. (1998). "The development and validation of scales assessing students' achievement goal orientations Contemporary". *Educational Psychology*, 23, 113-131.
- Oliveira, A. (2007). "A Discussion Of Rational And Psychological Decision Making Theories And Models: The Search For a Cultural Ethical Decision Making Model, Electronic". *Journal of Business Ethics and Organization Studies*, 12(2), 12-13.
- Parker, A. M.; Wandl, B. B. and Baruch, F. (2007). "Maximizers versus satisficers Decidion- making styles, competence and out comes", *judgment and Decision making*, 2, 342-344.
- Pintrich, P. R.; Smith, D. A.; Garcia, T. and McKeachie, W. J. (1991). *A manual for The use of the motivated strategies for learning questionnaire (MSLQ)*. Ann Arbor, MI: University of Michigan.
- Ryan, R. M. and Pintrich, P. R. (1997). "Should I ask for help? The role of motivation and attitudes in adolescents' help seeking in math class". *Journal of Educational Psychology*, 89(2), 329-341.
- Singh, R. and Greenhous, J. H. (2004). "The relation between career decisionmaking strategies and person-job fit: A study of job changers". *Journal oF Vocational Behavior*, 64, 202-205.
- Scotts, G. and Bruce R. A. (1995). "Decision-making style: the devolepmentan assesment of a new measure". *Educational and psychological Measurement*, 55(5), 818-831.
- Schoemaker, A. F. (2010). *The realation between Decision -makingstyle and Negative Afect in colleg student: Drexel University*.
- Scunk, D. H.; pintrich, P. R. and Meece, J. L. (2008). *Theory research, and application (3rded)*. Upper saddle River, N J: Meril / prentice- Hall.

- Spicer, D. P. and Salder, S. E. (2005). "An examination of the General decision making style". *Jornalor managetial psycology*, 20(2), 137-138.
- Thunholm, P. (2004). "Decision making style: Habit, style or both?", *Journal of Personality and Individual Differences*, 3, 932-933.
- Wilson, N. V. B. (2010). *Examing Moral Reasoning and Ethical Decision Making among Mississipis Community College Administrators*: Mississippi university.
- Zimmerman, B. J. (2002). Becoming aself-Regulated learner: AnorervieW. *Theory Intopractice*. Spring Autumn, 2002.
- Zimmerman, B. J. (2015). *Self-regulated learning Teories, Measures, and out comes*, City University of Newyork Graduate center, NY, USA.